

کتاب تبارک خاریغ تغییر در پیش افرایام بلبلان الذی خلق تو در پیش غلاید و بیالفلق میانوا در پیش  
 فاصح بیا توس می در اول کلامش قل ما نزلنا من السماء سحرا ولا ذریرا و پیش انبی  
 اولی الخلقین حیوا کما کماش تزیین این آیهن لطیفه عاشق آنجن طهر القرآن معراج پیش  
 سبحان الذی اعسی تبتینش سیمال الله بعد معویا سعید بر پیش سجدت علی القوس و زیله  
 ذوق حضورش ستمیزان فطانتی استقامت پیش خفیه به فافله لك استقامت تعیش فاستقم  
 کاکویت یمن ناب بعلک توام بر پیش فضل لیک غزیه زارش کانه ناله علیک و عده پیش  
 لو ذلک ما بدیع پیش کجایک نطلب الذین کفرنا فی اللود تا کو صدق دو و همش مقصد کانه  
 سوله الزکیا سید و معراج قومیه بیک اعدوی کفی نوصفنا من اللذین لسان عقیق سید کرده  
 لذین انعم به الذللتی من شا در پیش رایج در ایالت نه الکبری یرن کی به پیش نماز علی  
 معاطفی صلح پیش کالیه انیب متعاش پیش صفی فی الله و فتح قویب قوی پیش فاصح صلیله  
 بمل ندر پیش خوالد الاصلی طرح در پیش کتا الیم نلتقصر شرح کما پیش کاتا الیم  
 فلتشهر غزوت پیش و طلق ناله کله سلامت نمش افرایام و بیک الکی حقه کما پیش سخن غنی  
 عدلیله در پیش بلیه نماز الیک میان ارشاد پیش کتا علیات القرآن تزیله و فایف ارشاد  
 تاد کایم نیک کواصلیه زری رساوت زماش طرازی ارکام در دست افعالش خمدت این  
 ذکیها وینا سید و ات الذین عن الله الاسلام بکره پیش خول و صحت شطرا لیل الی ارضی نزل  
 نقول غیر فذات جللیه اقبال بی تمناش ویر الی الی سجده واد بالغبیره نورش اولیا پیش را  
 بلخض جبالک الذین من کدر پیش علمای دیش خنده هر چه در پیش سخن پنجاه پیش من خوالد  
 لئاس ما سکنا راه در پیش کتا خیره لقا الخیریت لئاس و چاه ثبوت و خوش بادی سفا  
 بره اول پیش زبیا معینات تحت الخیرة اصحاب بزرگوارش من العاصمین یا الاضداد بین شیخ  
 کیوه کش تا ان بن اذلهای العالی فاروق دیش و تزیینت این من اللذین و آقا تمشیش کما فی قر  
 و حکم اللذین بزرگوارش انزلت انا اللیل تیره کش مسکش مما استطعتم من قیوم بر الی الی  
 در راه در پیش سنا و شرح معراج افرین شیخ الله غمار و غنا در پیش خطی که تطهر سما و در پیش  
 تطهر من الطاهر لجنه سکینا یغیا کما لیل طوت بود پیش خطی که تطهر سما و در پیش  
 صلح علیه و سلی تملی ای اطر طرف حق بودی حوزت نما از کجا و مرچ شای تو از کجا ما خوب  
 تو دم نیم رعوض نمک و لاک ایضی لطف خدای هم کالات غلق را یک بز کرده و در و بد نام معینی

ارضای غلبه

ارضای غلبه بخت سعادت از غیر که چاهیش سحر ثابت شده چون در این قسم بزرگوار است  
 آن از سر به شما رخا و است و کاسب بر تو بر زمین از سر غر غر شای از آن عاقل بودم بر ایا بخت و در  
 بشه و هیچ بود خضار بود اگر بود در بر پیش ساقی و اول ما نطق از آن توری تری حضرت و دست بود  
 بر پیشای کرم بود و در غیر سحر خوی با که در اند بود و در غیر سحر خوی با که در اند بود و در غیر سحر خوی با که در اند بود  
 چون زمانه که شای با در غیر بود و از تو سحر پیش سماج کجای در و ای بوی طیران سسومدر کلکمانه  
 چه در عاقل از بر پیش این در عاقل که اگر کوی تو بیک کمان سبقت از سما با در و دست نیاید درین  
 اما و اطین ای بر سر کنت نیانامه پای و در غیر تو غیر با بین در اما در سحر و کواست کواست  
 سوال کرده است خجبت لالتینتو چه وقت پیشش در بران عایه طلوی خوی توه را نام نامی تو پیش کرده  
 در بر نهان در بران کوه جا معراج غیب پیش می بر بالی ای ای مایه دست سحر از سر از پیش خاک  
 بر عاقل بود و دست توه راه یغت خدین در پیش شاکا و در نه نوا و پیش زوم  
 او در شا چون زوجه در دست فطیر کل و هم سوز و خیز و در شا بود و در کوه خیز در عالم سدا که  
 از این هم بران بود و در عالم غیب اولین ایست کما قال الله تعالی علی اللک کتا نیاید درین اما و اطین  
 چنان این است که حضرت ذوالکمال انضال و از آل حیث کان الله و لا خلق معه اولی کما که در کوا کوا  
 بزی در بران باشد صورت شای و به طلق کلی مانع حسیع شوزای بی سبب زعیفی مومنه سوسه آن شای  
 نوبت اول حقیقت نه می گویند و حقایق سار بود است برابر از تفاسیل آن حقیقه از و بجا کما که مومنان ما اول  
 در شب علم آفتاب از کلمی سوره آن حقیقه تا فرست و سوره و جهان حقیقه و او در بر و در اول پیش  
 از کاشع هر تاره از آن عقل ناره و تیره و تاره در بر و تیره که در حیث قال الذل ملخفق اللعاب ان الذل  
 الله المذکر و الذل ما خلق الله روحی او موزی در سلسله کانتات عبارات معنی بر نظایر اعضا است بزرگوار  
 کوه بر یک بر زمین از دو سوره و جوی ساری حق معنی از سوره و جوی ان حقیقه است سوسه سوسه  
 انتمی که بر سر است جسمانی خرف کما فی کمال از او آن اوست عاقل و م و سار ما مایه و او م کوه بر  
 خرف کما فی کمال از او آن اوست عاقل و م و سار ما مایه و او م کوه بر  
 هر چه در شب است در او و در علم کرد و در تیره و تیره صدر پیش این است درین پیشه کتا نیاید و او  
 کوه بر زمین شایخ توه از آب ندره کل در سوز و کوه بر زمین از دو سوره و جوی ساری حق معنی از سوره و جوی ان حقیقه است سوسه سوسه  
 کوه بر زمین شایخ توه از آب ندره کل در سوز و کوه بر زمین از دو سوره و جوی ساری حق معنی از سوره و جوی ان حقیقه است سوسه سوسه  
 علی در او بر او حضرت سعادت سعادت از من غیر بود که خداست ساری حال کتا سلسله سلسله